

# جلوه‌های شایسته در سیره و سخن امام حسن عسکری

محمد عابدی

## اشاره

ابومحمد و لقبه الخالص؛<sup>۳</sup> نامش حسن و کنیه اش ابومحمد و لقبش خالص است.» و ابن شهر آشوب القاب آن حضرت را چنین بیان می‌کند: «القابه: الصامت، الهادی، الرفیق،

در بخش اول از این مقاله که در مجله شماره ۵۴ به چاپ رسید، به ۶ نمونه از جلوه‌های هدایت در سیره و سخن امام عسکری علیه السلام پرداختیم. اینک بخش پایانی مقاله تقدیمتان می‌شود.

## امام عسکری در یک نگاه

امام حسن عسکری علیه السلام در روز جمعه ۸ ربیع الثانی سال ۲۳۲ ق در مدینه متولد شد.<sup>۱</sup> مادر بزرگوارش حدیث<sup>۲</sup> و پدر بزرگوارش امام هادی علیه السلام است. مرحوم اربلی می‌نویسد: «اما اسمها فالحسن و کنیتها

۱. دلایل الامامة، ص ۴۲۳، ح ۱۱۳۸۴. و اختلاف در نظریه‌ها ر.ک: الکافی، ج ۱، ص ۵۰۳؛ الارشاد، ص ۳۳۴؛ الدرر، ج ۲، ص ۱۵؛ مصباح المتعجد، ص ۷۹۲؛ تاج الموالید در مجموعه نفیسه، ص ۱۳۳؛ —سحار الانوار، ج ۵۰، ص ۲۳۶.
۲. «امه ام ولد یقال لها حدیث [وقیل سوسن]»، الکافی، ج ۱، ص ۵۰۳ و کشف الغممه، ج ۲، ص ۴۰۲؛ «اسم امه علی مارواه الاصحاب سلیل رضی الله عنها وقیل حدیث والصحیح سلیل»، عیون المعجزات، ص ۱۳۴.
۳. کشف الغممه، ج ۲، ص ۴۰۲.

امام حسن عسکری علیه السلام در مواردی متعدد چنین روشی را پیش می‌گرفت. از جمله، در نامه‌اش به اسحاق بن اسماعیل نیشابوری، او و دیگران را هشدار می‌دهد و با صراحت آنان را نسبت به عواقب سخت کارشان بیدار می‌نماید و می‌نویسد: «پس از درگذشت امام پیشین علیه السلام و بعد از فرستادهٔ دوم من و آنچه از شما به او رسید، خداوند به سبب آمدنش پیش شما، وی را کرامت و عزت عطا کرد و پس از آنکه ابراهیم بن عبده را بر شما گماردم و نامه‌ای هم به وسیله محمد بن موسی نیشابوری برای شما نوشتم، راه غفلت را پیمودید. در هر حال، باید از خداوند کمک خواست. مبادا درباره خدا کوتاهی کنید و از زیانکاران باشید! از رحمت خدا به دور باد کسی که از اطاعت خدا روگرداند و پندها و موعظه‌های اولیای خدا را نپذیرد. به

الزّکی، السّراج، المّضیی، الشّافی، المرّضی، الحسن العسکری. آن حضرت و پدر و جدش هر کدام در زمان خود ابن‌الرضانامیده می‌شدند.<sup>۱</sup> تنها فرزندش، پسر او (هم نام رسول خدا) بود و غیر از او فرزندی نداشت.<sup>۲</sup> ابن شهر آشوب درباره مدت عمر حضرت می‌نویسد: «۲۳ سال با پدر و ۶ سال در مقام امامت بود و در دوره امامتش با معتز (چند ماه) و بعد مهدی و معتمد معاصر بود.<sup>۳</sup> و سرانجام در جمعه ۸ ربیع الاول ۲۶۰ ق به شهادت رسید.<sup>۴</sup>

### جلوه‌های هدایت در سیره و سخن

#### امام حسن عسکری علیه السلام

در بخش اول این مقاله به ۶ نمونه از جلوه‌های هدایت در سیره و سخن امام حسن عسکری علیه السلام اشاره کردیم. اینک بقیه موارد را پی می‌گیریم.

#### ۷. هشدار و انذار صریح

قرآن کریم برای هدایت بشر بارها از شیوه انذار و هشدار صریح استفاده کرده است؛ شیوه‌ای که به مانند زنگ هشدار و بیدار باش مخاطب را هدف مستقیم محتوای خویش قرار می‌دهد.

۱. المناقب، ج ۴، ص ۴۲۱؛ بحارالانوار، ج ۵۰، ص ۲۳۶.

۲. الارشاد، ص ۳۴۶.

۳. المناقب، ج ۴، ص ۴۲۲؛ دلایل الامامة، ص ۴۲۳.

۴. الکافی، ج ۱، ص ۵۰۳.

می سازد و به مانند نیروی دفع کننده‌ای خواسته و ناخواسته آنان را از مسیر باطل که علامتش ناپاکان امت هستند، دور می سازد و به این ترتیب، مؤمنان با تبراً هم ناپاکان را از حرمت و کرامت در جامعه دینی ساقط می کنند و هم خود را از مسیر آنان به دور نگاه می دارند.

امام حسن عسکری علیه السلام با علم به چنین کارکردی، شیعیان را به احیای این فریضه، به طور عملی، می کشاند و با دعوت به لعن و نفرین آلودگان و دوری جویی از آنان و نیز عشق به پاکان امت و اولیای الهی، بقای شیعیان در صراط مستقیم را تضمین می کرد. از جمله سخنان آن حضرت است: «حُبُّ الْأَبْرَارِ لِلأَبْرَارِ ثَوَابٌ لِلأَبْرَارِ وَحُبُّ الْفُجَّارِ لِلأَبْرَارِ فَضِيلَةٌ لِلأَبْرَارِ وَبُغْضُ الْفُجَّارِ لِلأَبْرَارِ زَيْنٌ لِلأَبْرَارِ وَبُغْضُ الْفُجَّارِ خِزْيٌ عَلَى الْفُجَّارِ»<sup>۱</sup> دوست داشتن نیکان، همدیگر را، ثواب برای نیکان است. و دوستی اهل فجور نسبت به نیکان فضیلتی برای نیکان است و بغض فاجرها برای

راستی خداوند شما را به اطاعت خود و اطاعت پیامبر و اطاعت اولوالامر فرمان داده است. خدا بر ناتوانی و غفلت شما رحم کند و شما را بر عقیده خود شکیبیا سازد. چقدر انسان به پروردگارش مغرور است ... ای اسحاق! خداوند تو و خاندانت را مشمول رحمتش کند ... اگر سنگهای سخت و استوار برخی از محتوای این نامه را می فهمیدند، از ترس و بیم خداوند متلاشی می شدند و به طاعت خدا در می آمدند و هر چه می خواهید بکنید، به زودی خدا و پیامبر و مؤمنان عمل شما را خواهند دید و آنگاه سر و کارتان با خدای دانایِ نهان و آشکار است...»<sup>۱</sup>

#### ۸ احیای روحیه تولا و تبراً

تولاً، مؤمنان را به سوی نیکیها و نیکان جذب می کند و به مانند نیروی جاذبه‌ای قوی، خواه ناخواه آنان را در مسیر حق نگاه می دارد. از این روی، مؤمنان با تولاً هم حرمت نیکان را نگاه می دارند و هم خود را در مسیر آنان قرار می دهند و به سوی حق می روند. و تبراً آنان را از بدیها و بدها دور

۱. تحف العقول، ص ۴۸۵.

۲. همان، ص ۴۸۷.

گفتم و شاد شدم که برخی نیازهای مردم را برآورده می‌کنم. حضرت نگاهی به من انداخت و فرمود: «آری! به همین شیوه باقی بمان؛ زیرا آنان که در دنیا نیکی کرده باشند، در آخرت نیز اهل نیکی خواهند بود. ای ابوهاشم! خداوند تو را در زمره آنان قرار دهد و مشمول رحمت خود گرداند.»<sup>۱</sup>

ب) آثار فروتنی: امام حسن عسکری علیه السلام می‌فرمود: کسی که به حقوق مردم آشناتر از دیگران باشد و به ادای آن اهتمام ورزد، نزد خدا مقامی برتر از دیگران دارد و کسی که در دنیا در برابر برادران مؤمن خویش تواضع و فروتنی کند، نزد خدا در زمره صدیقین و از شیعیان واقعی علی بن ابی طالب علیه السلام خواهد بود.

دو تن از برادران دینی و مؤمن علی بن ابی طالب علیه السلام که پدر و فرزند بودند، نزد حضرت آمدند. امام به

نیکان، زینت نیکان است. و بغض نیکان برای اهل فجور، خواری برای اهل فجور است.»

### ۹. بیان آثار طاعت و عصیان

از شورانگیزترین مراحل تبلیغ و هدایت، لحظات بیان پاداشها و آثار اطاعت خداوند متعال است؛ موضوعی که مخاطب را با شوری مضاعف در پی راهبران توحیدی می‌کشاند. قرآن کریم آکنده از آیاتی است که آثار طاعت و بندگی را بیان می‌دارد و آثار خطرناک عصیان و سرکشی را گوشزد می‌کند. از این روی، بیان و تصویر آثار طاعت و عصیان راهبردی قرآنی است و در سیره و سخن امام حسن عسکری علیه السلام هم بارها می‌توان آن را لمس کرد. نمونه‌هایی را می‌خوانیم:

الف) آثار نیکوکاری: علامه مجلسی از مناقب و خیرایج نقل می‌کند: ابوهاشم علیه السلام گفت: از امام حسن عسکری علیه السلام شنیدم که فرمود: «بهشت دری به نام المعروف (نیکوکاری) دارد که تنها نیکوکاران از آن در وارد می‌شوند.» من در دل خدا را سپاس

۱. بحارالانوار، ج ۵۰، ص ۲۵۸. (ان فی الجنة باباً یقال له المعروف. لا یدخله الا اهل المعروف... وقال: نعم قدّم علی ما انت علیه، فان اهل المعروف فی الدنیا اهل المعروف فی الاخرة. جعلک الله منهم یا اباهاشم ورحمک)

احترام انسان برخاست و در صدر مجلس جایشان داد و خود مقابلشان نشست و دستور داد غذا بیاورند. پس از غذا، قنبر تشنه و پارچ (ابریق) و حوله‌ای آورد. قنبر خواست آب به دست مهمانها بریزد که امیر مؤمنان برخاست و پارچ را از او گرفت تا خود آب به دست مهمان بریزد. او خود را به خاک انداخت و گفت: ای امیر مؤمنان چگونه راضی شوم که خدا مرا در چنین حالی ببیند. حضرت فرمود: بنشین و دست خود را بشوی تا خدای عزوجل ببیند برادر مؤمن تو که برتر از تو نیست، دست تو را می‌شوید تا در قبال آن خدا دهها برابر مردم دنیا، در بهشت مرآد او را دهد...<sup>۱</sup>

چون از شستن دست مهمان (پدر) فراغت یافت، آب را به دست محمد حنفیه داد و فرمود: فرزندم! اگر این پسر به تنهایی مهمان ما بود، آب بر دستش می‌ریختم؛ ولی خدا دوست ندارد بین پدر و فرزند در یک مکان به یک گونه رفتار شود. اکنون که پدر به دست پدر آب ریخت، باید فرزند به دست فرزند آب ریزد. محمد نیز به

دست پسر آب ریخت. [آنگاه امام حسن عسکری علیه السلام فرمود:] شیعه واقعی کسی است که در این موارد از علی علیه السلام پیروی کند.<sup>۱</sup>

ج) گناه و کوتاهی عمر: در کنار بیان آثار عبادت، امام حسن عسکری علیه السلام از طریق تشریح و توضیح آثار گناه نیز، جلوه‌هایی از هدایتگری خود را به نمایش گذاشته است.

حضینی به سند خود از عبدالحمید بن محمد و محمد بن یحیی خرقی روایت کرده که: نزد ابوالحسن علی بن بشر که مریض بود رفتیم. وی از ما خواست برایش دعا کنیم و نامه‌اش را توسط شخص مطمئنی نزد مولایمان ابو محمد حسن بن علی علیه السلام بفرستیم. گفتیم نامه‌ات کجاست؟ گفت: کنار بسترم. ما دستمان را زیر سجاده‌اش بردیم و نامه‌اش را برداشتیم و گشودیم تا بخوانیم. در همان آغاز نامه چشممان به دستخط امام علیه السلام افتاد که مرقوم فرموده بود: ما نامه‌ات را خواندیم و از خدا بهبودی

۱. احتجاج، ج ۲، ص ۲۶۷.

تو را خواستیم. خدای متعال از حالا چهل و نه سال به عمرت افزود. خدا را شکر و سپاس گوی، در این مدت کارهای نیک و آنچه دوست داری انجام بده و اگر به گناه آلوده شدی از کوتاه شدن عمر خود ایمن نباش؛ زیرا خداوند آنچه بخواهد انجام خواهد داد.

گفتیم: ای علی! سرور و مولایمان نامه‌ات را خوانده و جواب هم داده است. این هم دستخط ایشان است. وی همان لحظه از جای برخاست و رضایت کنیزش را جلب و او را به عنوان صدقه آزاد کرد و پس از سه روز حواله‌ای از ابو عمر عثمان بن سعد عمری سمان از سامرا به یکی از بزرگان کرخ رسید که اموالی را برای علی بن بشر ببرد. وی آن اموال را شمرد و دید سه برابر اموالی است که صدقه داده است و این از معجزات حضرت بود.<sup>۱</sup>

۱۰. **عنایت ویژه به پرسشهای**

#### قرآنی

از ویژگیهای هدایتگری امام عسکری علیه السلام پاسخ به سؤالات کتبی و شفاهی است؛ به گونه‌ای که حجم

زیادی از روایات آن حضرت که به دست ما رسیده است، مربوط به پاسخهایی است که به پرسشها داده است. در این میان، عنایت ویژه‌ای به سؤالات قرآنی شده است. به عنوان نمونه: سفیان بن محمد می‌گوید از امام حسن علیه السلام ضمن نامه‌ای سؤال کردم، منظور از وَلِيَجَّهَ در آیه «وَلَمْ يَتَّخِذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلَا رَسُولِهِ وَلَا الْمُؤْمِنِينَ وَلِجَهًا»<sup>۲</sup>؛ «غیر از خدا و رسولش و مؤمنان را محرم اسرار خود قرار ندادند». چیست؟ و با خود فکر می‌کردم که منظور از مؤمنین در این آیه چه کسانی است؟ امام در جواب نامه من نوشت: «الْوَلِيَّةُ الَّتِي يُقَامُ دُونِ وَلِيِّ الْأَمْرِ. وَحَدَّثَكَ نَفْسِكَ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ: مَنْ هُمْ فِي هَذَا الْمَوْضِعِ؟ فَهُمُ الْأَيُّمَةُ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ عَلَى اللَّهِ قَبِيحًا أَمَا نَهَمُ؟»<sup>۳</sup> ولیجه کسی است که به جای ولی امر (امام حق) نصب می‌شود، اما اینکه در خاطر ت گذشت که منظور از مؤمنین در آیه کیستند؟ پس آن مؤمنان، امامان بر حق اند که از

۱. هدایة الکبری، ص ۳۴۱.

۲. توبه/۱۶.

۳. اصول کافی، ج ۱، ص ۵۰۸.

خدا برای مردم امان می گیرند و خداوند امان آنها را مورد قبول قرار می دهد.»

### ۱۱. مبارزه مستدل با باورهای

#### غلط

مرحوم طبرسی از ابو یعقوب یوسف بن محمد بن زیاد و ابوالحسن علی بن محمد بن یسار روایت کرده است که به امام حسن عسکری علیه السلام عرض کردیم: در منطقه ما گروهی ادعا می کنند هاروت و ماروت دو فرشته اند که چون گناهان فرزندان آدم افزون شد، خداوند آن دو را همراه فرشته ای دیگر به زمین فرستاد. آن دو شیفته زنی شدند و خواستند با او زنا کنند و شراب نوشیدند و نفس محترمه را کشتند. خداوند آن دو را در بابل عذاب و شکنجه می کند و ساحران از آن دو سحر می آموزند و خدا آن زن را به ستاره زهره مسخ کرد.

امام فرمود: حاشا که چنین باشد. فرشتگان الهی با لطف خدا معصوم از گناه و کفر و اعمال ناروا هستند. خدای عز و جل فرمود: «لَا يَفْضُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ»<sup>۱</sup> و فرمود: «وَلَهُ مَنْ

فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَنْ عِنْدَهُ لَا يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِهِ وَلَا يَسْتَحْسِرُونَ يَسْبَحُونَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ لَا يَفْتُرُونَ»<sup>۲</sup> و درباره فرشتگان فرمود: «بَلْ عِبَادٌ مُّكْرَمُونَ لَا يَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَهُمْ بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ»<sup>۳</sup> تا آنجا که فرمود «مُشْفِقُونَ». خداوند این فرشتگان را جانشینان خود در زمین قرار داده و آنها در دنیا همچون پیامبران و ائمه اند. آیا از پیامبران قتل نفس و زنا و شراب خواری سر می زند؟ آن گاه فرمود: آیا نمی دانی که خداوند هیچ گاه دنیا را از پیامبر یا امامی از جنس بشر تهی نگذاشته است؟ آیا نفرمود: «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ إِلَّا رِجَالًا نُوْحِي إِلَيْهِمْ مِنْ أَهْلِ الْقُرَى»<sup>۴</sup> و

۱. تحریم/۶: «در آنچه خداوند به آنها امر کرده است، نافرمانی نمی کنند و هر چه امر شوند، انجام می دهند.»

۲. انبیاء/۱۹ و ۲۰: «هر چه در آسمانها و زمین است از آن خداست و کسانی که در نزد او هستند (فرشتگان) از بندگی و عبادت او سرپیچی نکنند و ملول نشوند. شب و روز بدون آنکه سستی کنند به تسبیح او مشغول اند.»

۳. انبیاء/۲۶ و ۲۷: «بلکه [فرشتگان] بندگان گرامی داشته شده هستند که خدا را به گفتار پیشی نمی گیرند و به امر او کار می کنند.»

۴. یوسف/۱۰۹: «و ما نفرستادیم پیش از تو جز مردانی از اهل شهرها که به آنها وحی می کردیم.»

مواضع خود را اعلام می‌کرد و به این طریق گروه‌های زیادی از مردم را از سرگردانی نجات می‌داد. نمونه‌هایی از اعلام مواضع حضرت چنین است:

#### الف) واقفیها

واقفیان سلسله امامت را تا حضرت موسی بن جعفر علیه السلام می‌پذیرند و بنیانگذاران آن تعدادی از یاران امام صادق و کاظم علیه السلام بودند و از جمله آنان، زیاد بن مروان، علی بن ابی حمزه و عثمان بن عیسی می‌باشند. دلیل توقف آنان، دل‌بستگی به اموال زیادی بود که باید به امام بعدی می‌سپردند. شیخ طوسی می‌نویسد: بعد از شهادت امام موسی بن جعفر علیه السلام هفتاد هزار دینار نزد زیاد قندی و سی هزار دینار و پنج کنیز و خانه‌ای در مصر نزد عثمان بن عیسی رواسی بود. امام رضا علیه السلام آنها را طلب کرد. ابن ابی حمزه امامت او را منکر شد و اموال را نداد. زیاد قندی همچنین کرد. ولی عثمان بن عیسی ضمن نامه‌ای به امام رضا علیه السلام نوشت:

اعلام فرمود که او فرشتگان را به این سبب به زمین نفرستاد که امام و فرمانروا باشند، بلکه آنها به سوی پیامبران الهی فرستاده شده‌اند؟»

ما پرسیدیم: پس ابلیس فرشته نیست؟ فرمود: «خیر، بلکه ابلیس از جن است».<sup>۱</sup>

#### ۱۲. اعلام مواضع در برابر

#### جریانهای انحرافی

هدایتگران باید گروه‌های مختلف جامعه خویش را به خوبی بشناسند و از مواضع و افکار آنان به خوبی مطلع باشند تا بتوانند با هر یک متناسب با اندیشه و ایده‌هایشان برخورد مناسب را تدارک ببینند؛ زیرا همواره هدایتگران الهی مخالفان زیادی داشته و دارند: «وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا مِنَ الْمُجْرِمِينَ»<sup>۲</sup>؛ «و این چنین برای هر پیامبری دشمنی از گناهکاران قرار دادیم.»

از سوی دیگر مخالفان دین الهی نیز هیچ‌گاه یکسان نبوده‌اند، بلکه هر یک مرام و گرایش و افکار خاصی داشته‌اند. امام حسن عسکری علیه السلام با آگاهی کامل از جریانهای عصر،

۱. احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۲۶۵.

۲. فرقان/۳۱.



باشند. کسی که امامتِ آخرین فرد ما را انکار کند، گویا امامت اولین ما را انکار کرده و کسی که تعداد ما را اضافه بداند، مانند کسی است که از تعداد ما کاسته است و امامت ما را انکار کرده است.<sup>۱</sup> شخص سؤال کننده نمی دانست که عمومیش واقفی است و امام با این روش او را از این موضوع مطلع کرد.

#### ب) صوفیه

گروه منحرف دیگر در عصر امام، صوفیه بودند؛ جماعتی که از ابتدای پیدایش به دست ابوهاشم کوفی، عده‌ای از مسلمانان را فریب داد و از اسلام راستین منحرف ساخت. امام عسکری علیه السلام درباره آنان و رئیس قومشان، حدیثی از امام صادق علیه السلام را بسادآوری فرمود: از امام جعفر صادق علیه السلام درباره ابوهاشم (کوفی) سؤال شد. فرمود: فردی بسیار فاسد العقیده بود. مسلکی به نام تصوف

پدرت از دنیا نرفته و همچنان زنده است و کسی که بگوید او مرده، سخن بیهوده‌ای گفته است...<sup>۱</sup>

امام حسن عسکری علیه السلام در خصوص این گروه منحرف بارها اعلام موضع کرد و افراد زیادی را از ورطه انحراف آزاد کرد. احمد بن مطهر می گوید: یکی از یاران ما از مردم جبل (قهستان) به ابو محمد علیه السلام نامه‌ای نوشت و پرسید: کسانی را که در مورد امامت موسی بن جعفر علیه السلام توقف کرده (و جانشین او را نپذیرفته‌اند) دوست داری یا از آنان بیزار می جویی؟ حضرت پاسخ داد: آیا برای عمویت آمرزش می خواهی! خداوند عمویت را نیامرزد. از او بیزاری بجوی و من در پیشگاه خدا از آنها بیزاری می جویم. با آنها سر دوستی نداشته باش، از بیمارانشان عیادت نکن، در تشییع جنازه‌هایشان حاضر نشو و هرگز بر جنازه‌های آنها نماز مگزار. خواه امامی را از ناحیه خدا انکار کرده باشند، خواه امامی را که امامتش از سوی خدا نیست، بر امامان افزوده باشند، یا قائل به تثلیث (سه خدایی)

۱. الغیبة، ص ۴۳.

۲. بحار الانوار، ج ۵۰، ص ۲۷۴؛ كشف الغممه، ج ۳، ص ۲۱۹. آن حضرت در نامه‌ای به شخص دیگر پاسخ داد: آری، در نمازت آنان را لعنت کن. (بحار الانوار، ج ۵۰، ص ۲۶۷)

اختراع کرد و آن را مرکزی برای اعتقادات پلید خود قرار داد.<sup>۱</sup>

### ج) ثنویه

این فرقه منحرف در زمان امام عسکری علیه السلام پدید آمد و به نوشته مجمع البحرین: آنها فرقه‌ای از مجوس‌اند و به دو اصل خیر و شر (نور و ظلمت) و پیامبری حضرت ابراهیم علیه السلام معتقدند.<sup>۲</sup> امام حسن عسکری علیه السلام نسبت به این گروه بسیار حساس بود. شیخ حر عاملی از کشف الغمه از ابوسهل بلخی نقل می‌کند: یکی از یاران نامه‌ای به امام نوشت و درخواست کرد درباره پدر و مادرش دعا کند. امام علیه السلام چنین نوشت: «رَحِمَ اللهُ وَالِدَتَكَ وَالتَّاءُ مَنْقُوطَةٌ»<sup>۳</sup> خداوند مادرت را بیامرزد و تاء دو نقطه است. یعنی کلمه تاء دو نقطه است نه یاء که والدیک بشود. چون پدرش ثنوی بود و امام نمی‌خواست برای پدر او دعا کند.

### د) مفوضه

این گروه معتقد بودند خداوند حضرت محمد صلی الله علیه و آله را آفرید و آفرینش دنیا را به او سپرد و او هم عهده‌دار آفرینش هر چه در دنیا است، شد. برخی هم گفته‌اند این

کار به علی علیه السلام سپرده شد.<sup>۴</sup> شیخ صدوق می‌نویسد: به اعتقاد ما غلات و مفوضه به خدای عزوجل کفر ورزیده‌اند و از یهود و نصارا و مجوس و قدریه و حروریه و کلیه بدعت‌گذاران و منحرفان بدترند.<sup>۵</sup>

امام حسن عسکری علیه السلام به شیوه‌های گوناگون درباره آنان اعلام موضع می‌کرد که از نمونه‌های شگفت‌انگیز آن پاسخ توسط فرزند خردسالش (امام عصر علیه السلام) در حضور حضرت می‌باشد. گروهی از مفوضه، کامل بن ابراهیم مدنی را نزد ابومحمد علیه السلام فرستادند. وی وارد شد و کنار دری که پرده داشت نشست. همان لحظه نسیمی وزید و گوشه پرده کنار رفت. کودکی چهار ساله را دید که گفت: ای کامل بن ابراهیم! گفت: بلی ای مولای من! آن کودک فرمود: نزد ولی الله آمده‌ای که... درباره سخن مفوضه بهرسی؟ آنان دروغ

۱. سفینه البحار، ج ۲، ص ۵۷.

۲. مجمع البحرین، ص ۱۶.

۳. با خورشید سامرا، ص ۲۶۵، به نقل از اثبات

الهداة، ج ۳، ص ۴۲۷، ح ۱۰۳.

۴. مجمع البحرین، ص ۳۳۲، معجم الفرق

الاسلامیه، ص ۲۳۵.

۵. شرح باب حادی عشر، ص ۹۹؛ بحار الانوار،

ج ۲۵، ص ۳۴۲.

کشت و دارایی مردم را غارت کرد و مسجد جامع را آتش زد. جنگ وی با حکومت عباسی حدود چهارده سال و چهار ماه و شش روز طول کشید و با قتل وی توسط موفق خلیفه عباسی (۲۷۰ هـ. ق) قیام خاتمه یافت. وی خود را به دلایل متعدد به اهل بیت علیهم السلام منتسب می‌کرد، ولی امام عسکری علیه السلام علاوه بر تأیید نکردن قیام وی، با اعلام موضع شیعیان را از انحراف و خطر می‌رهانید. از جمله، محمد بن صالح خثعمی می‌گفت: تصمیم گرفتیم ضمن نامه‌ای از ابو محمد علیه السلام درباره صاحب الزنج بیرسم، ولی فراموش کردم. امام در جواب نامه علاوه بر سؤالهای مکتوب من، نوشته بود: «... و صاحب الزنج از ما نیست.»<sup>۵</sup> مرحوم محدث قمی می‌نویسد: امام علیه السلام نسبت او را به اهل بیت نفی کرد. بنابراین، از حیث نسب و مذهب و عمل نیز نفی شده است.<sup>۶</sup>

گفتند. بلکه دل‌های ما ظرف مشیت و اراده خدای عزوجل است. هرگاه بخواهد، ما هم می‌خواهیم و خداوند می‌فرماید: ﴿وَمَا تَشَاءُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ﴾.<sup>۱</sup> آن‌گاه امام عسکری به او فرمود: چرا نشسته‌ای؟ پاسخت را داد، بر خیز!<sup>۲</sup>

### ه) قیام صاحب الزنج (فتنه‌ای سیاسی)

در کنار انحرافات اعتقادی و فرهنگی، از فتنه‌های سیاسی نیز نباید غافل ماند که مشهورترین آنها قیام صاحب الزنج است. رهبری این قیام را شخصی فاسد و منحرف به عهده داشت که خود را علی بن محمد بن احمد بن عیسی بن زید بن علی بن حسین بن علی بن ابی طالب می‌خواند. به گفته مسعودی «در شب ۵ شنبه ۲۷ رمضان ۲۵۵ در بئر نخل بین شهر الفتح و کرخ بصره قیام کرد. تاریخ نگاران به اتفاق وی را علوی نمی‌دانند و دیدگاهش همان دیدگاه خوارج بود.»<sup>۳</sup>

وی به هوادارانش می‌گفت: نبوت به من عرضه شد، ولی نپذیرفتم، چون مشکلاتی داشت که ترسیدم تحمل آنها را نداشته باشم.<sup>۴</sup> بر اثر قیام وی خسارات زیادی به مردم بصره وارد شد. وی چند بار به آن شهر حمله کرد و تعداد زیادی را

۱. انسان/۳۰.

۲. الغیبة، ص ۱۴۸؛ الخرائج، ج ۱، ص ۴۵۸.

۳. مروج الذهب، ج ۴، ص ۱۹۵.

۴. شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۸، ص ۱۵۸.

۵. المناقب، ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۴۲۸.

۶. سفینه البحار، ج ۱، ص ۵۵۹.